



گزارش کنفرانس

عواقب تجاوز نظامی امریکا به افغانستان

به مناسبت بیستمین سالروز تجاوز نظامی امریکا به افغانستان

۱۴ اکتوبر ۲۰۲۱، هالند

هفتم اکتوبر ۲۰۲۱ مصادف است با بیستمین سالروز تجاوز نظامی نیرو های امریکا و انگلیس بر افغانستان. در آستانه بیستمین سالگرد، نیرو های امریکا و ناتو افغانستان را بر اساس موافقتنامه ئی که با طالبان داشتند، ترک نمودند و رژیمی که به مساعدت و طبق نسخه مورد قبول این کشور ها ایجاد شده بود، سقوط کرد. یقیناً طی بیست سال گذشته افغانستان انکشافات مثبتی را نیز تجربه کرد، اما نگاهی به وضع اقتصادی و اجتماعی بجا مانده از ۲۰ سال حضور دول غربی در افغانستان در مجموع تصویر مطلوبی را ارائه نمیکند. برای ارزیابی این اوضاع، به سلسله کنفرانس های فدراسیون سازمانهای افغان های مقیم اروپا (فارو) بتاريخ ۹ اکتوبر ۲۰۲۱ کنفرانسی تحت عنوان "عواقب تجاوز نظامی امریکا به افغانستان"، بصورت آنلاین برگزار شد. ده ها تن از هموطنان ما شامل دانشمندان، شخصیتهای مستقل و نمایندگان سازمانهای افغان های مقیم اروپا در این کنفرانس اشتراک داشتند.

در آغاز کنفرانس سرودمیهنی استاد اولمیر «دا زمونر زیبا وطن» پخش شد. سپس گردانندگان کنفرانس محترم دلیری و محترم داکتر هدایت در مورد شیوه کار کنفرانس به زبان های دری و انگلیسی معلومات مقدماتی دادند. کنفرانس با سخنرانی افتتاحیه خانم لونا ولی رئیس فارو آغاز یافت. خانم ولی با یاد آوری از اینکه امریکا نتوانست تروریسم را نابود کند بلکه حضور و جنگ این کشور و متحدینش در افغانستان باعث تقویت تروریسم در منطقه شد، باب سخن را گشود. بانو ولی گفت دول غربی بشمول امریکا با ترسی که از ضربه پذیری های پاکستان اتمی دارند، نتوانستند قادر به از میان برداشتن مدارس، مراکز تعلیمی و پناهگاه های تروریستی در پاکستان که منبع و مرکز صدور تروریسم اسلامگرا است، شوند. خانم ولی از پیشرفت ها در زمینه های تعلیمی، آزادی بیان و رسانه ها یاد آوری نموده به تحول نمادین در بخش حقوق زن اشاره نمود. وی افزود که چون این تحولات در جامعه نهادینه نشده بود، با سقوط رژیم قبلی طالبان نتوانستند یکشنبه آنرا کنار بگذارند. خانم ولی اظهار داشت که کنفرانس ۹ اکتوبر ۲۰۲۱ فارو علاوه بر نقشی که برای توحید نظرات سازمانهای عضو فارو و افغانهای مقیم اروپا در ارتباط با برهه تاریخی دو دهه اخیر دارد، میتواند برای مؤرخین بازگو کننده ارزیابی افغانهای مقیم اروپا در رابطه با عواقب تجاوز نظامی و جنگ ۲۰ ساله امریکا و متحدینش در افغانستان باشد.

سخنران نخست آقای اندرش فنگ از سویدن بود. آقای فنگ نویسنده چندین کتاب در مورد افغانستان، رئیس سابق کمیته سویدن برای افغانستان و سابق کارمند مؤسسه ملل متحد برای افغانستان بوده از آگاهی عمیق در مورد کلتور افغانها و تاریخ ۴۳ سال بحران افغانستان و پالیسی جهان غرب طی ۲۰ سال اخیر در افغانستان برخوردار است. آقای اندرش فنگ سخنان اش را با یک مرور تاریخی از سقوط رژیم نجیب الله به بعد آغاز کرد. وی گفت تنظیمهای اسلامی به این عقیده بودند که کابل شهر گناه است و در جریان جنگ قدرت طلبانه که حتی قبل از تسلیم گیری رسمی کابل میان تنظیمها آغاز شده بود، به تخریب شهر و کشتار مردم آن در جریان عملیتهای نظامی متقابل پرداختند. این حالت بیزاری مردم را از تنظیمها در پی داشت و زمینه بقدرت رسیدن طالبان را که در آغاز با شعار تأمین امنیت مالی و جانی مردم ذهنیت مثبت نسبت به خود ایجاد کرده بودند، مساعد ساخت. آمدن امریکائی ها بعد از حوادث ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ صرف به هدف تأمین منافع دولت امریکا بود. اتکا بر ملیشیاى ائتلاف شمال منحيث قوت پیاده، نه از سرعلاقمندی به این گروپ بلکه بخاطر آن بود که ائتلاف شمال در آن زمان یگانه نیروی نظامی موجود و حاضر به ایفای نقش موصوف در داخل قلمرو افغانستان بود. اما حضور پُر رنگ ائتلاف شمال در کنفرانس بُن و غیابت طالبان و سایر جنبش های سیاسی در این کنفرانس باعث کج گذاشتن تهداب ساختار حاکمیت جدید در افغانستان شد. وقتی تهداب کج گذاشته شود، سقوط محتوم تعمیر قابل پیش بینی میباشد. اصلاحات سیاسی و اجتماعی که تحت فشار و با پول دول غربی در افغانستان پیاده شد، بیشتر بخاطر آماده سازی افکار عامه در کشور های غربی برای ادامه ماموریت نظامی بود. در طرح این اصلاحات به ساختار کلتوری-اجتماعی پیچیده افغانستان توجه نشده بود. معمولاً یک سکه دو روی میداشته باشد. اما سکه افغانستان

چند روی دارد. امریکا و متحدین اش که صرف در پی تأمین اهداف خود بودند، در تمام ساحات دولت سازی و اصلاحات زحمت توجه به پیچیدگی های افغانستان را بخود ندادند. آقای اندرش فنگ گفت مقامات دولتی افغانستان و سیاسیون سهیم در قدرت فقط به یک چیز می اندیشیدند و آن پُرساختن جیب شان بود. در نتیجه گیری اش آقای فنگ علل ضعیف شدن و سر انجام سقوط جمهوری اسلامی را چنین برشمرد: بخاطر عدم توجه امریکا و متحدین به شرایط خاص افغانستان دولتی سازی به شکست مواجه شد. دستگاه دولتی ایجاد شده یغما گرو دچار فساد گسترده بود، کمک های مالی وسیع بین المللی فساد در قوای ثلاثه جمهوری اسلامی را تشدید کرد، نحوه جنگ امریکا مبنی بر کاربرد قوای منظم بخصوص قوای هوایی علیه یک گروه متحرک گوریلائی و بمباردهاها بر اساس اطلاعات نادقیق و مغرضانه باعث نارضایتی مردم از قشراکام در افغانستان شد، دید تحقیر آمیز امریکا به کلتور و مختصات مردم افغانستان سرمایه گذاری های بزرگش در بازسازی و ریفورمهای اجتماعی را به شکست مواجه کرد، سرانجام کمک و حمایت همه جانبه پاکستان به طالبان و امضای موافقتنامه دوحه باعث ضعف جمهوری اسلامی و سرانجام سقوط آن و پیروزی طالبان شد. اما آقای فنگ مخالفت خود را با نظریه وابستگی کامل طالبان به پاکستان به صراحت ابراز داشت.

سخنران دوم خانم ملالی جویا عضو سابق پارلمان افغانستان و فعال حقوق زن و حقوق بشر بود. خانم جویا بنا به مشکلاتی که داشت صحبت ویدیویی ثبت شده اش را به فارو فرستاد که در کنفرانس پخش شد. جویا در جریان صحبت اش گفت: «جمهوری اسلامی دست پخت و محصول تجاوز امریکا و کاملاً وابسته به آن بود. به همین سبب به آن ارج نمیگذاشت و در غیابش موافقتنامه دوحه را با طالبان امضا کرد. فروپاشی تدریجی رژیم دست نشانده از همینجا آغاز یافت. فرا خواندن همه نیرو های نظامی و قراردادی باقیمانده از افغانستان آخرین ضربه بود که اداره بایدن بر پیکر رژیم دست نشانده وارد کرد، قشر حاکم ناپدید شد و رژیم قبل از تکمیل خروج قوا، سقوط کرد. این سرنوشت محتوم هر رژیم وابسته است». خانم جویا اظهار داشت که طالبان طبق برنامه از قیل تنظیم شده توسط امریکا به قدرت رسانیده شدند. با به قدرت رسیدن طالبان گروه های تروریستی دیگر نیز جان گرفته و پرو بال کشیده اند. وی گفت: «من همیشه صدای عدالتخواهی مردم خود بوده ام. اکنون طالبان دست به رفتار خشونت آمیز و ضد بشری میزنند که کارنامه مرگ آفرین شان شامل قتل غیر نظامیان و کوچ اجباری مردم در کندهار، پنجشیر، مالستان، دایکندی و نا پدید شدن عده زیادی از جوانان میباشد. من این اعمال را محکوم میکنم و خواهان محاکمه عاملین آن هستم. در عین حال با پلان های دول خارجی که هر یک در پی دسترسی به اهداف خود در افغانستان اند مخالف هستم. مثلاً پلان ایران، روسیه و هند را که میخواهند ائتلاف شمال را دوباره بقدرت برسانند، نیز محکوم میکنم».

سومین سخنران آقای داکتر هدایت فعال مدنی و سیاسی از کشور انگلستان بود. داکتر هدایت ابراز داشت که بعد از استماع سخنرانان قبلی بیانیه اش را بخاطر جلوگیری از تکرار مطلب محدود به داعیه قربانیان جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت نموده نکاتی چند را بشکل مؤجز به حضار تقدیم میکند. آقای هدایت نظری به ۲۰ سال گذشته انداخته و از اینکه تجاوز امریکا به افغانستان باعث آغاز یک منازعه مسلحانه دیگر شد که در جریان آن ارتکاب جرایم جنگی و جرایم علیه بشریت از جانب طرفین جنگ صورت گرفته و جنگ از مردم ملکی ده ها هزار قربانی گرفت. ورود اسلحه و مهمات زیاد به افغانستان از جانب قوای خارجی، جنگ را خاتمه نداد بلکه جنگ را وسعت و عمق بیشتر بخشید. داکتر هدایت گفت: «هدف اصلی تجاوز امریکا به افغانستان رسیدن به اهداف جیو پولیتیک بود نه جنگ علیه تروریسم. اتکای امریکا بالای جنگسالاران موجب رشد بیسابقه فساد و ضعف دولتی شد که امریکا و متحدینش در افغانستان بنیاد گذاشتند. هر سه رکن این دولت از آغاز تا سقوط ضعیف، فاسد و غیر مؤثر بودند.»

سخنران اخیر آقای عزیز رفیعی رئیس اجرایی مجتمع جامعه مدنی افغانستان بود. محترم رفیعی پرزنتیشن اش را به شیوه جدید، آموزنده و همه جانبه ترتیب نموده به کنفرانس ارائه نمودند. این پرزنتیشن شکل طرح سوالات را داشت که زوایای گنگ در رابطه به موضوع کنفرانس را مطرح و ذهن اشتراک کنندگان را متوجه نکات اساسی قضیه ساخت و به اینکه ما افغانهای داخل و خارج کشور به خود این زحمت را نداده ایم تا برای دریافت جواب علمی و اکادمیک به این سوالات دست به تحقیق و تتبع علمی بزنیم، و جوابات ما را بر داده های این تحقیقات استوار سازیم. محترم رفیعی در آغاز پرزنتیشن یک پرسش اساسی را مطرح کردند و آن اینکه آیا هجوم نظامی امریکا به افغانستان تصادفی بود یا برنامه شده؟ جواب منطقی و اکادمیک به این سوال چیست؟ آیا ما افغانها در این مورد دست به کاوش علمی زده ایم؟ آیا امریکائی ها واقعاً افغانستان را ترک کرده اند؟ آیا انگلیس ها واقعاً در افغانستان شکست خورده بودند؟ آیا خروج عساکر شوروی این معنی را داشت که روسها افغانستان را کاملاً ترک کرده اند؟ جواب های ما و شما به این سوالات یا زیاد آرمانگرایانه است یا بسیار عملگرایانه. حال آنکه این جوابات باید منطقی بوده و مبنای علمی داشته باشند. آقای رفیعی گفت، حضور امریکا و غرب و ایجاد نظام مبتنی بر انتخابات هم جوانب مثبت داشت و هم موجب معضلات بزرگ شد. بطور مثال امنیت نسبی فردی و اجتماعی در این دوره باعث مشارکت گروه های مختلف اجتماعی و قومی در زندگی اجتماعی شد، سکتور خصوصی و سرمایه گذاری رشد کرد، در بخش حمل و نقل زیرساخت ها ایجاد شد، بعد از چند قرن سکوت، نوشتن و انتشار نظرات و ایجاد جنبش عقلائی، رفاهی و اجتماعی را میتوان در زمره جوانب مثبت شمرد. اما نواقص بزرگ این دوره را هم نباید فراموش کرد. ساختارمند سازی قدرت به دو جهت متضاد که به ساختار های غیر مشروع مشروعیت میداد، مشروعیت دهی نظام سیاسی مبتنی بر تقسیم بندی قومی قدرت در میان به اصطلاح

«نخبگان» سیاسی، منحصر شدن منابع طبیعی و ملی به دست حلقه های مسلح کوچک برخوردار از حمایت عناصر قدرتمند دولتی، مداخله بیش از حد امریکا در امور داخلی افغانستان که به بی اعتبارسازی دموکراسی و انتخابات انجامید، تبدیل کردن حلقات مسلح و جنگی به جزایر قدرت اقتصادی و اجتماعی از طریق واگذاری قراردادهای بزرگ عمرانی منطوقی و زمینه سازی فساد به آنها، فضا سازی برای رشد بنیادگرایی و افراطیت مذهبی، و... جوانب منفی پالیسی ها و طرح های دول پشتمیان جمهوری اسلامی طی دو دهه گذشته را مشخص میسازد.

آقای رفیعی در مورد هر یک از موضوعات فوق و سایر نکاتی که ذکر آنها در این مختصر نمی گنجد، توضیحات داده و در اخیر انتقادی هم از افغانهای خارج از کشور داشتند. محترم رفیعی نقش غیر فعال و غیر مؤلف افغان های خارج از کشور را در تولید فکر و در یافتن جوابات علمی و تحقیقی به سوالات مهمی چون تعریف هویت ملی، تعریف وحدت ملی در شرایط افغانستان و سایر سوالات که قبلاً از آن یاد آوری شد، مورد انتقاد قرار داده و اشتراک کنندگان کنفرانس را که عمدتاً مقیم اروپا بودند متوجه ضرورت سرمایه گذاری از وقت شان بالای تحقیقات علمی که بتواند برای افغانستان فکر مبتنی بر علم تولید کند، ساختند. آقای رفیعی به همین ارتباط به این نکته هم اشاره کردند که چون ما فاقد تحرک هستیم، هویت ما را همسایه ها برای ما تعریف میکنند. آیا ما کشور فدائی ها هستیم؟ آیا ما گروه های نیابتی همسایگان هستیم؟ آیا گروه های قومی افغانستان بروایت تاریخ با هم آشتی پذیر اند یا آشتی نا پذیر؟ آیا برای این سوالات جواب علمی یعنی جوابی که به افغان خارجی هائی که در مورد ما پیشداری هائی دارند، منجر شده بتواند؟ با تأسف چنین جوابی نداریم. عده ئی از روشنفکران داخل کشور به عوض پرداختن به این وظایف، بعد از بقدرت رسیدن طالبان دین پناهی را پیشه کرده اند. یک عقبگرد خطرناک فرهنگی در پیشرو است. بطور مثال تدوین نصاب تعلیمی جدید آغاز شده است. در چنین حالتی روشنفکر مخالف طالبان چه باید بکند؟ تحریم طالبان؟ همکاری با آنها؟ جنگ مسلحانه؟ مبارزه فرهنگی؟ اکثریت روشنفکران داخل و خارج از کشور منتظر حوادث اند و بدنبال حوادث میروند.

قبل از بخش بحث با سخنرانها آهنگ میهنی «وطن عشق تو افتخارم» از آقای وهاب مددی پخش شد.

بخش بحث با سخنرانها

بحث با سخنرانها یک بخش مهم برنامه کنفرانس بود. این بخش بیش از یک ونیم ساعت ادامه یافت. سخنرانان حاضر در کنفرانس یعنی آقای اندرش فنگ، آقای عزیز رفیعی و آقای داکتر هدایت حاضر به پاسخدهی به سوالات اشتراک کنندگان بودند. سوالاتی زیادی مطرح شد. بطور اجمالی میتوان گفت که اشتراک کنندگان کنفرانس بخاطر ضربه پذیری های مردم و وطن متعاقب بقدرت رسیدن مجدد طالبان نگرانی های زیادی دارند. سوال چه باید کرد سوال مرکزی در بحث ها بود. تشویش از انعطاف نا پذیری طالبان و مداخلات خارجی که در نهایت میتواند به طولانی شدن آلام مردم افغانستان و تشدید خطر جنگ داخلی نیز گردد، در کنفرانس ابراز گردید. اما مهمترین نگرانی تهدید گرسنگی برای ده ها میلیون هموطن ما بود که یکسبه ایجاد نشده است و ادامه بحران ایست که قبلاً هم وجود داشت اما قطع کمک های بشردوستانه بعد از حاکم شدن طالبان باعث روشن شدن عمق و وسعت آن شد. سخنرانان یک بیک به همه سوالات پاسخ دادند که تفصیل آن بعداً در گزارش تصویری از طریق حساب یوتیوب فدراسیون نشر میگردد.

در ختم کنفرانس کمیته تسوید قطعنامه که در آغاز کنفرانس تعیین شده بود، به اشتراک کنندگان وعده ارسال مسوده قطعنامه را طی دو روز داده و خواهان کنترل و پیشنهادات اصلاحی و تکمیلی از اشتراک کنندگان شد. مسوده قطعنامه بعد از آنکه بر وفق نظر اشتراک کنندگان تعدیل شد، در صفحات انترنتی فارو و سایر سایتهای افغانی در اروپا و امریکا قبلاً انتشار یافت.

فدراسیون سازمان های
افغانهای مقیم اروپا (فارو)